

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۱۵ جولای ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱۸)

علم بیان: علم بیان که روی فصاحت و بلاغت کلام بحث دارد، در بحث نثر صحبت های شد. درینجا مختصراً اشاره ای درین مورد خواهیم کرد.

۱. **فصاحت کلمه یا فصاحت مفرد:** آنست که از سه عیب خالی باشد: تنافر، مخالفت قیاس، غربت

أ. **تنافر:** که آن را گران آهنگی نیز می گویند شامل تنافر حروف، تنافر کلمات و تنافر معنوی است.

۱. **تنافر حروف:** که تلفظ کلمه بر زبان سنگین و دشوار باشد: دو دهان داریم گویا
مثل نی + یک دهان پنهانست در لبهای وی. کلمه پنهانست بر زبان سنگینی می کند.

۲. **تنافر کلمات:** کلمات طوری بیاید که خواننده آنان را به طور فصیح بیان کرده نتواند.

۳. **تنافر معنوی:** آنست که مصراع های شعر به تنهایی معنی داشته باشد اما میان آن ها در معنی سازگاری نباشد. مثل خانه ملک و دین شود آباد + باده پیش آر
هر چه بادا باد

ب. **مخالفت قیاس:** یا هنجاری آنست که کلمه موافق دستور ساخته نشود. در شعر باید به کار برد کلمات تمام دستور زبان را رعایت کند در غیر آن از نظر علم معانی نادرست است.

ج. **غرابت:** که آن را نا آشنائی می گویند آنست که کلمه ای نا مأنوس و دور از ذهن یا در گوش مستمع سنگینی و نا خوش آهنگ باشد. مثال لاد را بر بنای محکم نه + که نگهدار لاد بنلاد است. لاد = دیوار و بنلاد بنیاد عمارت را گویند که در اشعار قدیم به کار می رفته ولی اکنون نامأنوس اند.

۲. فصاحت کلام یا فصاحت جمله و مرکب: آنست که جمله از کلمات فصیح ترکیب شده باشد و خود از

شش عیب بری باشد. ضعف تألیف، تعقید، تنافر کلمات، تنافر معنوی، تتابع اضافات، کثرت تکرار

أ. ضعف تألیف آنست که جمله های شعر خلاف قواعد زبان باشد

ب. تعقید: آنست که فهم شعر دشوار باشد و به دو قسم است تعقید لفظی و تعقید معنوی.

أ. **تعقید لفظی:** آنست که دشواری و پیچیدگی معنی جمله از جهت تقدیم و تأخیر یا حذف

کلمات باشد مانند من آن سپهر که دایم چنانکه مهر به ماه + به مهر نور دهد سیر
منور من - یعنی من آن سپهرم که کوکب نورانی من به آفتاب نور می دهد همانطور
که آفتاب به ماه نور می بخشد. به هر شه بر، از بخت، چیر آن بود + که او در جهان
شاه ایران بود - یعنی کسی که پادشاه ایران باشد از هر پادشاهی بلند اقبالتر است.
طوری که می بینیم اصل مقصود گوینده بسیار ساده و آسان است و دشواری که در آن
احساس می شود علتش تقدیم و تأخیر الفاظ است.

ii. **تعقید معنوی:** آنست که فهم اصل مقصود و مضمون از جهت استعمال کنایات،

مجازات و تخیلات دور از ذهن، دشوار باشد. نامه بر گم شد در آتش نامه را باز افگنم
+ گر کبوتر نیست طاووس به پرواز افگنم - طاووس کنایه از آتش است و آن را در
مقابل کبوتر نامه بر، به رعایت تناسب و مراعات النظیر آورده است.

iii. **تتابع اضافات:** آوردن کسره های متوالی. اثر وصف غم عشق خطت + یار چون

نیست وفادار، کجا یار بود. گاهی که بعضی کلمات تکرار می آید به حسن کلام می
افزاید که در بخش صنایع بدیعی ذکر شد.

iv. **فصاحت تکلم:** قدرت بیان و نیروی انشای سخن فصیح است و مرادف آن را گشاده

زبانی می گویند. متکلم یا سخنگوی فصیح کسی است که نیروی زباناوری و ملکه
انشای سخن فصیح داشته باشد.

ادامه دارد...